

شرق



روزنامه

یادداشت

ابتکار آموزش و پرورش خوزستان برای عبور از بحران بی‌کاری



سیدمحمد موسوی
آموزگار مدارس عشایری خوزستان

این روزها ذهن پدران و مادران این سرزمین مملو از نگرانی است. نگرانی برای آینده فرزندان بی‌کارشان که با وجود داشتن تحصیلات دانشگاهی، زندگی خویش را در کنج خانه سپری می‌کنند. باوجود اینکه بی‌کاری دیر زمانی است که به‌عنوان یک معضل سرسخت خود را در کشور نشان داده، اما چاره‌ای اساسی برای مقابله با آن اندیشیده نشده است و در خوزستان این معضل خود را بیشتر از استان‌های دیگر به رخ مردم کشیده است و ما را از منظر اشتغال در جایگاه سوم کشور نشانده است! طبق گزارش جدید مرکز آمار ایران، استان خوزستان در تابستان ۹۶ جزء استان‌هایی بود که بالاترین نرخ بی‌کاری را به میزان ۱۴.۹ درصد به خود اختصاص داد.

سیدعلی بحرینی‌مقدم، معاون امور اقتصادی استانداری خوزستان، مدتی قبل در گفت‌وگو با خبرگزاری مهر اظهارنظر کرده است، برخی دستگاه‌های این استان اهمیت اشتغال را به صورت واقعی و مفهومی درک نکرده‌اند. وضعیت اشتغال استان را باید جدی گرفت اما متأسفانه با وجود تأکیدات شورای اشتغال و پیگیری‌های صورت گرفته، بعضاً دستگاه‌ها کم‌توجهی کرده و با ملاحظات لازم را در امر اشتغال استان ندارند و به صورت کلی از فضای ایجاد شغل دور هستند. غلامرضا شریعتی، استاندار خوزستان نیز در گفت‌وگو با خبرگزاری تسنیم، وضعیت اشتغال در استان را ۱۴ درصد باشد، باید به جیتی حرکت کنیم که نرخ بی‌کاری تک‌رقمی شود. وی همچنین در شورای آموزش و پرورش استان خوزستان که در روز ۱۸ مهرماه سال جاری در سالن جلسات استاندارد برگزار شد، از تلاش آموزش و پرورش خوزستان در حوزه اشتغال‌زایی و جذب فارغ‌التحصیلان بی‌کار به‌عنوان مربی پیش‌دستانی تجلیل کرد و گفت: آموزش و پرورش خوزستان در راستای رفع معضل کمبود معلم و کمک به اشتغال در استان در طی ماه‌ها و سال‌های گذشته گام‌های خوبی برداشت و بیش از دو هزار نفر از فارغ‌التحصیلان این استان را به‌عنوان نیروی پیش‌دستانی جذب آموزش و پرورش کرد. وی این را هم گفت که در راستای رساندن مشکل اشتغال در استان به حداقل، تعداد مربیان پیش‌دستانی جذب شده در خوزستان را با هماهنگی وزارت آموزش و پرورش از دو هزار نفر به سه هزار نفر افزایش می‌دهیم.

پیش‌دستانی که چند سالی است با ابتکار، مدیرکل آموزش و پرورش خوزستان، به صورت اجباری درآمده، علاوه بر اینکه از افت تحصیلی و تکرار پایه در بین دانش‌آموزان دبستانی جلوگیری کرده است، این امکان را نیز فراهم آورده تا نیروهای جوانی‌کار موجود در جامعه خوزستان، به‌عنوان مربی پیش‌دستانی جذب آموزش و پرورش شوند و این ایده به راهکاری برای تولید شغل در این استان برای مقابله با بی‌کاری تبدیل شده است.

با وجود اینکه دکتر مهرعلی‌زاده، نماینده تام‌الاختیار استاندار در حوزه اشتغال، امار ارائه شده دستگاه‌های اجرایی در خوزستان را از نظر تولید اشتغال شفاف نمی‌داند، اما در حوزه آموزش و پرورش آمار شفاف‌تری در این خصوص وجود دارد. امار ارائه شده از سوی مدیرکل آموزش و پرورش خوزستان که در خبری با عنوان «جذب نیروی جدید در آموزش و پرورش خوزستان» در پایگاه خبری شوشان منتشر شده، نشان می‌دهد که طی چهار سال گذشته این دستگاه که متولی تعلیم و تربیت است و ایجاد شغل در حیطه وظایفش تعریف نشده است، به امر اشتغال نیز ورود کرده و با تدبیری دوراندیشانه، جذب ۱۱ هزار فارغ‌التحصیل دانشگاهی را از راه‌های مختلف نظیر استخدام به صورت رسمی، پیمانی و حق‌التدریس در دستور کار رده است. همچنین هفت هزار مربی پیش‌دستانی نیز از میان جوانان جوانی شغل در طی این چهار سال وارد چرخه آموزش و پرورش شده‌اند.

پس از مصاحبه مدیرکل آموزش و پرورش خوزستان، در ابتدای سال تحصیلی جاری، توجه تمامی مسئولان کشوری و استانی بیش از گذشته به بحران اشتغال در خوزستان جلب شد. محمد تقی‌زاده با اعلام کمبود شدید معلم در خوزستان طی مصاحبه‌ای در، در جای گفته اعلام کرد: امروز تصمیم گرفته شد که بخشی از مشکل کمبود معلم در مناطق و نواحی آموزش و پرورش خوزستان با استفاده از نیروهایی که به صورت حق‌التدریس در بخش پیش‌دستانی مشغول به کار بودند، حل شود. مدیرکل آموزش و پرورش خوزستان این را هم گفت که برای جبران نیروهایی که به صورت مربی پیش‌دستانی مشغول به کار بودند، نیروهای جوانی‌کار می‌توانند برای جذب در دوره پیش‌دستانی به ادارات آموزش و پرورش در سراسر استان مراجعه کنند. پس از اظهارات مدیرکل آموزش و پرورش خوزستان بود که سید جوانان خوزستانی به ادارات آموزش و پرورش سرازیر شد و سر از زخم عمیق و دردناک معضلی‌کشوده شد که گریبان جوانان این مرز و بوم را تنگ می‌فشارد و نفس آنها را به شماره انداخته است؛ معضلی که بیش از گذشته در مقابل دیدگان مسئولان استانی و ملی قرار گرفت و عمق و زوایای آن نشان شد.

راهروهای ادارات ۴۰گانه آموزش و پرورش خوزستان در طی هفته‌های گذشته شاهد درد و اشک مادرانی بود که با کاغذی در دست و کوله‌بار سنگینی از نگرانی بر شانه، غم نامعلوم‌بودن سرنوشت فرزندان‌شان را بر دوش می‌کشیدند. مدیرکل آموزش و پرورش خوزستان که طی هفته‌های نفس‌گیر شروع سال تحصیلی، لحظه‌ای آرام نداشت و تمام لحظاتهش در پاسخ‌گویی سپری بود، در جای گفته است که دلم می‌خواست امکانی فراهم بود که می‌توانستم تمامی فارغ‌التحصیلان بی‌کار را جذب کنم و چه خوب است سایر مدیران دستگاه‌های اجرایی در خوزستان نیز با درست دیدن بحرانی به نام «بی‌کاری» از ابتکاری و چاره‌ای این چنینی بهره ببرند و با الگوبرداری از ابتکاری که آموزش و پرورش خوزستان در «پیش‌دستانی» انجام داد، راهی برای برون‌رفت از بی‌کاری در استان بکشایند.

نگاه

قسمت اول

بیابید «کبک» نباشیم!



میبنا غریبا
مدرس دانشگاه علوم تربیتی

موضوع این یادداشت، دست‌آموزکردن یا اهلی‌کردن کبک‌ها نیست که در زمستان از بیم شکارشدن «سر» خود را در برف فرو می‌برند؛ چقدر ساده‌انکارانه! دست‌آموزکردن آدمی هم نیست؛ بلکه دیدن حقایق مربوط به انسان‌ها در روزگار فعلی است. «آسیب جنسی» در نوجوانان؛ برآوردن امیال جنسی خود، توسط خود؛ اما ترغیب نوجوانان به ازدواج، راهکار مقابله با این آسیب است؟! باز هم نسخه‌های تکراری، باز هم قرص‌های آموزشی و کیسول‌های پرورشی.

نوجوان ۱۵ساله، ۱۶ساله و ۱۷ساله بابت ناهنجاری جنسی‌ای که دارد، ازدواج کند؟! به کجا چنین شتابان!؟

برهه نوجوانی است و بحران نوجوانی، برهه نوجوانی است و حریرت‌های نوجوانی. «اریکسون» آن را دوران بحران هویت می‌خواند. در این برهه، نوجوانان به دنبال یک منبع لذت و آرامش هستند؛ آرامشی که سهم و حق آنهاست؛ اما خانواده در درجه نخست باید منبع شکل‌گیری این آرامش باشد که نیست و آسایش فکری و روانی نوجوان به جای حرکت در مسیری صحیح و سازنده، در حواشی قرار می‌گیرد. لالایی‌گری والدین، ولنسگاری والدین (رعایت‌نکردن پوشش مناسب در منزل به وسیله مادر و پدر)، نشان‌دادن رفتارهای زنده احساسی و جنسی در حضور فرزندان، رعایت‌نکردن حریم در میهمانی‌های خانوادگی و... دیدن فیلم‌ها و تصاویر مستهجن، طلاق عاطفی والدین (حضور در یک خانه اما جدا از هم و ناآرامی در خانواده)، تحت تأثیر هم‌سالان قرارگرفتن (گرایش به هم‌سالان و سپهری‌کردن زمانی از روز با آنان و پیگیری‌نکردن خانواده از آموذش فرزندان)، تنهایی در خانه (حضورداشتن والدین تا دیروقت به دلایلی نظیر حرفه‌شان، زندگی‌کردن انفرادی هریک از اعضای خانواده)، هر عضو برای خودش باشد و هیچ‌گونه پیوند و ارتباطی بین اعضا نباشد؛ پدر مشغول کار خود، مادر هم همین‌طور و به تبع آن فرزندان و حفاظت‌نکردن والدین از فرزندان، به‌عنوان مثال به این نکته توجه نمی‌کنند که نوجوان مدت مدیدی را در اتاق دربسته قفل‌شده حقیقتاً مشغول مطالعه است؟ مانیتور رایانه که رویه‌روی نوجوان است، حقیقتاً صفحه علمی در آن باز است؟ حیف که برخی هنوز از ۱۸+ خبر ندارند.

دختر و پسر نوجوان با قصد لذت جنسی یا بدون قصد، خواسته یا ناخواسته وارد مسیری می‌شوند که سقوط آنان معلول سربه‌مهرنهادن بسیاری از مسائل مبتلابه جامعه امروز است و افراد از مطرح‌کردن آن بیم دارند و گمان می‌کنند اگر خودشان را به ندیدن و نشنیدن برزند، دیگران هم متوجه نمی‌شوند و همه ناهنجاری‌ها مرتفع می‌شود و از پیگیری ناهنجاری‌های جنسی در نوجوانان و سعی در کاهش یا رفع کامل آن امتناع می‌کنند. مطرح‌کردن آسیب‌های جنسی را که خود فرد برای خودش دارد یا دیگران موجب بروز آن هستند، بی‌حیایی می‌دانیم و به گمان خودمان مخفی‌کردن آنها و میرا نشان‌دادن خودمان از این آسیب‌ها، اخذ حیاست.



گزارشی تحلیلی از کنفرانس وایز ۲۰۱۷

توسعه آموزشی «قطری» ها در شعاع بین‌الملل

عصر پس‌حقیقت: عبارت جدیدی برای من بود و ناظر به این معنی است که در عصر انفجار اطلاعات و توسعه عظیم ارتباطات، تشخیص حقیقت از غیرحقیقت تقریباً ناممکن شده است. کتایه فرید زکریا به پدیده «ترامپسم» بود و اقدامات زمان رقابت‌های انتخاباتی و بعد از آن. ترامپ با یک کلمه «کذب» همه تحلیل‌های علمی و نیمه‌علمی گروه‌های مخالف و نقاد خویش را در جرگه «غیرحقیقت» می‌نهد و حقیقت را آن‌طور که او تفسیر می‌کند، حقیقت می‌نامد. همین

مضامین اصلی مطرح در وایز ۲۰۱۷ که برای کشورمان موضوعیت دارد:

۱) اقتصاد آموزش: پنبلی تحت عنوان کثرت‌بخشی به منابع مالی آموزش برگزار شد که شاه‌بیت آن، دل‌کندن از حمایت صرف دولت‌ها برای آموزش ملت‌ها بود. دولت‌ها آن‌قدر مشکلات عدیده دارند که برطرف‌کردن آنها، گفتگوی اقتصادی‌شان را به ته دیک رسانده و آموزش در اولویت چندم قرار می‌گیرد. ازطرفی همین وضع ناپه‌نچار جهانی را بی‌توجهی دولت‌ها به آموزش ایجاد کرده اما انگار سیاست‌گذاران عادت کرده‌اند به‌جای درمان ریشه‌ای و قطع این حلقه ناصواب بر ظاهر درد تمرکز کرده و برای آن چندین برابر هزینه کنند. راه را در کثرت‌بخشی منابع، ورود نهادهای عمومی و غیردولتی، خیرین و کارآفرین‌ها و خانواده‌ها به حوزه آموزش می‌بینند زیرا هنگام نیاز، اولین حذفی از سبد خرج، آموزش است و ترک تحصیل و...

۲) عصر پس‌حقیقت: عبارت جدیدی برای من بود و ناظر به این معنی است که در عصر انفجار اطلاعات و توسعه عظیم ارتباطات، تشخیص حقیقت از غیرحقیقت تقریباً ناممکن شده است. کتایه فرید زکریا به پدیده «ترامپسم» بود و اقدامات زمان رقابت‌های انتخاباتی و بعد از آن. ترامپ با یک کلمه «کذب» همه تحلیل‌های علمی و نیمه‌علمی گروه‌های مخالف و نقاد خویش را در جرگه «غیرحقیقت» می‌نهد و حقیقت را آن‌طور که او تفسیر می‌کند، حقیقت می‌نامد. همین

۳) به چالش کشیدن هدف آموزش و پرورش: واقعا به‌دنبال تربیت چه کسی در این عصر و در این مکان هستیم؟ مثلاً در پزشکی که به‌علت آمدن دستگاه‌های

باعث شده محققان حوزه نظر در کنار کاربران، کشگران، مهندسان و سیاست‌گذارانی قرار گیرند که کاربست و فایده نظریه‌پردازی را برای مخاطب واقعی امروزی یعنی دانشجویان و دانش‌آموزان به چالش می‌کشند و گزارش‌های اجرای این نظریه‌ها را به عموم اعلام می‌کنند.

در سال جاری، وایز با شعار «زیست و خلق مشترک: یادگیری چگونه‌زیستن با هم و چگونه‌کارکردن با هم» شکل گرفته بود و ترکیب برنامه‌ها طوری ساخته و پرداخته شده بودند که بالاخره شما جایی برای اتصال به آن برای خود می‌یافتید. هرگاه از سخنرانی و پاد‌های تئوریک خسته می‌شدید، سراغ نمایشگاه و تولیدات شرکت‌های آموزشی می‌رفتید. هرگاه از آن خسته می‌شدید، سراغ مدرسه واقعی می‌رفتید (جایی را شبیه‌سازی کرده بودند که بچه‌های مدارس قطر آنجا حضور داشتند و معلمان‌شان با آنها نمونه‌ای از برنامه‌های نوآورانه خویش را برای شرکت‌کنندگان در کنفرانس نمایش می‌دادند) و هرگاه از این هم خسته می‌شدید، در کارگاهی شرکت و دست‌ورزی می‌کردید و هرگاه هوس می‌کردید با کسی حرفی بزنید یا فردی هم‌علاقه خویش قرار می‌داد (به‌قول خودشان brain date) در گوشه‌ای دنج که برای این کار تعبیه شده بود، می‌گذاشتید و هرگاه دلان از اخبار منفی و شکست‌های متمادی در حوزه آموزش در ایران می‌گرفت و می‌خواستید از دست مسئولان مملکتی فریاد بزنید که

چرا آموزش آخرین اولویت برنامه‌ای کشور است، به اتاق سخنرانی‌های هفت‌دقیقه‌ای الهام‌بخش و تهییج‌کننده (provocative talks) می‌رفتید تا توسط فردی عادی که کاری در گوشه‌ای از دنیا برای آموزش کشورش و دیگر کشورها انجام داده، سرحال بیایید و از فریاد را بر سر خویش بزنید که من چه کردم، اگر دولت نکرد!

۴) اجلاس وایز یکی از تکه‌های پازل فعالیت‌های آموزشی بنیاد قطر (Qatar Foundation) است که تحت ریاست ملکه قطر، موزه بنت ناصر، اداره می‌شود و تکه‌های دیگری مانند: پژوهش‌های وایز، جایزه بین‌المللی آموزش وایز، پروژه‌های توسعه آموزش وایز در کشورها، بورس‌های آموزشی وایز، دارد.

۵) داده‌های عظیم (big data): مدیریت و راهبری آموزش که پیچیدگی‌های خود را دارد، آن‌هم در مقیاس بزرگ، ناگزیر به داده‌های کمکی دقیق نیاز دارد. این داده‌ها باید زنده و مستقیم و آنی، تولید، تحلیل و تفسیر و ارائه شوند. حتی اقدام پس از تفسیر را هم به‌همراه داشته باشند. این کار جز از راه داده‌های عظیم و تکنولوژی علوم داده‌ای فراهم نمی‌شود.

۶) نیروی انسانی آموزش: به‌گفته اعضای پنل «اصلاح الگوی تربیت معلم» از هر ۱۰ برنامه توسعه حرفه‌ای معلمان (آموزش ضمن خدمت) ۹ تا۱۰ شکست خورده و علت اصلی آن نشناختن مخاطب (معلم) و کاری است که او می‌کند. آنها پیوستاری را ترسیم می‌کنند که یک طرف آن برنامه‌های توسعه حرفه‌ای مشارکتی، با عاملیت معلم و بر مبنای نیاز (شخصی‌سازی‌شده) است و طرف دیگر آن برنامه‌های توسعه حرفه‌ای است که بر مبنای رقابت انداختن بین معلمان و مقایسه آنها براساس نتایج امتحانات بچه‌ها طراحی می‌شوند.

۷) کارآفرینی آموزشی: یکی از حوزه‌های مهم اقتصادی و کارآفرینی و ثروت‌زایی، حوزه آموزش است که شرکت‌های بسیاری در دنیا به‌صورت شرکت‌های نوپا (استارت‌آپ) وارد آن شده و موفق شده‌اند گردش‌های مالی میلیون دلاری داشته باشند. البته صیغه اکثر آنها، کمک به توسعه آموزش با کیفیت برای همه اقشار جامعه است و نباید با برخی شرکت‌ها و مؤسسات خصوصی در ایران اشتباه گرفته شوند که از آب گل‌آلود آموزش کشور و از بی‌تدبیری و شاید گفت‌جهل تصمیم‌گیران آموزشی کشور، برای خود وزارت آموزش و پرورش مستقلی ایجاد کرده‌اند. در این کنفرانس، معلمانی که در کنار هم اقدام به تأسیس شرکت‌های کوچک کرده بودند و راه‌حل‌هایی را برای مشکلات آموزش در قالب محصول و خدمات ارائه می‌کردند، به‌چشم می‌خورد. چنین معلمی که خود، کارآفرین است و فقط به حقوق معلمی اکتفا نکرده، احتمال بیشتری دارد که دانش‌آموز کارآفرین و ناوابسته به حقوق دولتی تربیت کند.

ابراهیم طلایی عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس

از سال ۲۰۰۹، اجلاسی جهانی با نام کوتاه‌شده وایز (WISE) که سرواژه عبارت «اجلاس جهانی برای نوآوری در آموزش» (world innovation summit for education) است هر دو سال یک بار در دوحه برگزار می‌شود (پیش از این هرساله بود ولی از ۲۰۱۵ به بعد هر دو سال یک بار شد). امسال توفیق داشتم در این اجلاس با حمایت مؤسسه‌ای آموزشی- فرهنگی شرکت کنم. از آنجا که بخت یار بوده و تقریباً امکان حضور در بیشتر گردهمایی‌های جهانی حوزه آموزش را حداقل یک بار داشته‌ام، حضور در «وایز» قطر، از آنجا که بیخ گوش خودمان رویدادی نسبتاً بزرگ هر دو سال یک بار رقم می‌خورد، و سوسه‌برانگیز بود. به‌ویژه اینکه «وایز» را بیشتر ما ایرانی‌ها با بنیاد قطر- بنیاد حامی و برگزارکننده آن- و با کلیپ‌های ویدئویی آن درباره موضوعات مختلف آموزش و با نگاهی تطبیقی می‌شناسیم. کلیپ‌هایی که اکثراً توسط شبکه Euronews به فارسی دوبله و پخش می‌شوند و در کانال‌ها و گروه‌های تلگرامی ایران دست‌به‌دست می‌چرخند. علاوه بر این قطر و حرکت رویه‌شدش در مطالعات بین‌المللی تیمز و پرلز (TIMSS and PIRLS) که توسط انجمن بین‌المللی ارزشیابی آموزشی (IEA) برگزار می‌شود، برایم قابل توجه بود، مثل اینکه چرا قطری‌ها بر آموزش مدرسه‌ای و دانشگاهی تا حد زیادی متمرکز شده‌اند، با اینکه وضعیت اقتصادی بسیار مناسب‌تری از ما دارند. قطر یکی از ثروتمندترین کشورهای دنیاست چراکه هم جمعیت محدودی دارد (دوینیم میلیون که البته تعداد شهروندان قطری بسیار کمتر از این است و این عدد با محاسبه مهاجران غیرقطری است) و هم منابع نفتی فراوان دارد به‌طوری‌که سرانه تولید ناخالص داخلی قطر، این کشور را جز سه کشور اول ثروتمند دنیا قرار داده است.

اجلاس جهانی وایز

این اجلاس، ماهیت و هدفی «نسبتاً» علمی و دانشگاهی دارد و نه صرفاً علمی، یعنی در مقایسه با رویدادهای جهانی مانند aera در آمریکا، bera در بریتانیا، eera و earli در اروپا یا aare در استرالیا، وایز قطر رویدادی آنچنانی نیست که گروه‌های ویژه تحقیقاتی، نظریه‌پردازان رده اول و محققان پیش‌کسوت قلمروهای علوم یادگیری و آموزش شرکت کنند. اما رویدادی به شدت جذاب است چراکه صرفاً بر بعد علمی و دانشگاهی تکیه نکرده و ابعاد سیاسی، سیاست‌گذاری، بخش خصوصی و کاربردی، الهام‌بخشی، نمونه‌های موفق، نمایشگاهی و رسانه‌ای را با دقت کنار هم چیده تا ترکیبی جالب از بیشتر ذی‌نفعان حوزه آموزش و یادگیری را کنار هم گرد آورد. رویداد «وایز» قطر در آسیا را می‌توان مشابه رویداد هم‌اندیشی جهانی آموزش لندن (theeducation world forum) در نظر گرفت که ترکیبی از حوزه نظر، عمل، سیاست و سیاست‌گذاری است.

به‌طور نمونه در وایز امسال قطر، اندی هارگریوز کانادایی (Andy Hergreaves) که یکی از متفکران برجسته حوزه تربیت معلم و توسعه حرفه‌ای معلم و مدیر مدرسه است (مراجعه کنید به کتاب معروف او با مایکل فولن با عنوان سرمایه حرفه‌ای) در کنار فرید زکریا Farid Zakaria، چهره‌ای رسانه‌ای و مشهور، امینه اردوغان، همسر رئیس‌جمهور ترکیه، حضور داشتند. سال ۲۰۱۵ و قبل از آن هم، شخصیت‌هایی مانند میشل اوباما، ریکاردو سمبلر صاحب کمپانی بزرگ Semco، و... به چشم می‌خوردند. این ترکیب

